

رجال پژوهش‌ها

سالنامه علمی - تخصصی
سال دوم، شماره ۲، سال ۱۳۹۸

پیش فرض‌های تحلیل توصیفات رجالی؛ مطالعه موردی اعتبار کافی^۱

سیدعلیرضا حسینی شیرازی^۲، عباس مفید^۳

چکیده

محمد بن یعقوب کلینی یکی از نام‌آورترین محدثان شیعه و کتاب وی، «کافی» از مهم‌ترین نگاه‌های حدیثی است. راهیابی روایات راویان ضعیف به این کتاب به‌ویژه در مباحث پیرامامتی بخشی از این دست آموزه‌ها را مورد تردید یا انکار قرار داده است. بازخوانی دقیق مفهوم «وثاقت» از نگاه دانشمندان رجالی شیعه به روشنی حکایت از آن دارد که کافی و داده‌های حدیثی آن در مجموع، از دیدگاه نجاشی و دیگر دانشیان رجال معتبر است. این حقیقت با توجه به واژگان توصیفی به کار رفته درباره کلینی به همراه در نظر داشتن شاخص‌های تأثیرگذار در مفهوم‌گیری از این واژگان، تأکید بیشتری می‌یابد. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی تلاش شده اعتبار و استحکام همه جانبه کتاب کافی به گونه‌ای روشن ارائه شود.

واژگان کلیدی: کلینی، کافی، توثیق، اعتبار کتاب، آرای رجالی.

رجال
پژوهش‌ها

پیش فرض‌های تحلیل توصیفات رجالی؛ مطالعه موردی اعتبار کافی

تاریخ تأیید مقاله: ۹۸/۱۲/۲۵
sahoseini14@gmail.com
mofid7033@gmail.com

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۲/۱
۲. مدیر گروه حدیث و رجال موسسه امام هادی (نویسنده مسئول)
۳. دانش آموخته سطح چهار و پژوهشگر حوزه علمیه مشهد.

مقدمه^۱

مهم‌ترین ویژگی یک کتاب حدیثی که آن را از دیگر نگاه‌ها متمایز می‌کند در اختیار قرار دادن آموزه‌های دینی در ساختار و قالبی به نام حدیث است. در خصوص یک کتاب حدیثی از نگاه پژوهشگران دو مسأله مد نظر است؛ یکی اصالت کتاب و دیگری اعتبار کتاب. مقصود از اصالت آن است که در انتساب یک کتاب به مؤلف تردیدی وجود نداشته باشد و مقصود از اعتبار کتاب نیز میزان توفیق نویسنده کتاب در به دست دادن آموزه‌های دینی منتسب به معصومان علیهم‌السلام است؛ به هر اندازه که نگارنده کتاب در به بند کشیدن آموزه‌های دینی نهفته در احادیث موفق باشد میزان اعتبار کتاب بیشتر است.

اعتبار یک کتاب حدیثی را می‌توان به دو شیوه کشف کرد؛

شیوه نخست: توجه به مجموعه داده‌های توصیفی وارد در نگاه‌ها رجالی و اعتبارسنجی پیرامون یک کتاب حدیثی؛ که از آن به «توثیق» تعبیر می‌شود. واژگان توثیق، برای ارزش‌گذاری یک اثر حدیثی به کار برده می‌شود و مفاهیمی را به دنبال می‌کشد.

شیوه دوم: توجه به مسیر دستیابی نویسنده به احادیث معصومان علیهم‌السلام؛ نویسنده یک کتاب حدیثی مسیری برای دستیابی به احادیث معصومان علیهم‌السلام طی کرده که از آن به سند یا «اسناد» تعبیر می‌شود. پیمایش مسیرهای هموار در دستیابی به آموزه‌های دینی موجود در احادیث، راه دیگر کشف اعتبار کتاب است. آنچه که در این نوشتار خواهد آمد بررسی اعتبار کتاب کافی از ناحیه توثیق است.

اعتبار کافی در آوردگاه توثیق

یکی از چهره‌های نام‌آشنای راه‌یافته به نگاه‌ها رجالی و اعتبارسنجی شیعه

۱. این مقاله بخشی از ارائه استاد سیدعلیرضا حسینی شیرازی در نشست علمی «کافی در آوردگاه توثیق و اسناد» است که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ به درخواست انجمن کلام امامیه اصفهان در موسسه نورالقرآن برگزار شده است. به دلیل اهمیت موضوع به دو نوشتار مستقل تقسیم شده است که بخش نخست آن پیش‌روی خوانندگان قرار دارد.

۲. برخی از اندیشمندان شیعی در عرصه اعتبارسنجی در انتساب برخی از کتب به مؤلفانشان تردید داشته‌اند؛ به عنوان نمونه؛ الف. تردید انتساب کتاب «أصفياء أمير المؤمنين عليه السلام» به علی بن حسن بن علی بن فضال. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۵۸، ش ۶۷۶. ب. تردید انتساب اصل «زید الزراد» و «زید النرسی» و «کتاب خالد بن عبدالله بن سدير» به مؤلفانشان توسط ابن‌ولید که این کتب را جعل شده توسط محمد بن موسی همدانی می‌داند. طوسی، الفهرست، ص ۲۰۲، ش ۲۹۹-۳۰۰.

محمد بن یعقوب کلینی رازی است.^۱ نام این محدث بزرگ همواره با کتاب کافی همراه بوده است. کتاب کافی در کلام رجالیان در قالب واژگان و عبارتهایی توصیف شده است.^۲ برای تحلیل درست و برداشت صحیح از واژگان و عبارتهای توصیفی که در ذیل مدخل‌های نگاشته‌های رجالی و فهرستی بیان شده است، می‌بایست به شاخص‌هایی توجه نمود، تا برداشت درستی در مورد این واژگان به دست آید. به عنوان نمونه در یادکرد کلینی با عبارت «أوثق الناس في الحديث و أثبتهم» برخورد می‌کنیم، اگر سنجه‌ها و معیارهای درستی در تحلیل این عبارت در میان نباشد مفهوم صحیحی از این عبارت به دست نمی‌آید. در یک نگاه کلی می‌توان به هفت شاخص اشاره کرد که در مفهوم‌گیری از واژگان و عبارتهای توصیفی تأثیر به‌سزایی دارد.

شاخص‌های مفهوم‌گیری عبارتهای توصیفی

توجه به این نکته لازم است که پیش‌فرض این تحقیق آن است که واژگان به کاررفته در جهت توصیف راویان در بیشتر موارد با تکیه بر آثار راوی و بررسی محتوایی این آثار به کار رفته است. به عنوان مثال، اگر در یادکرد عبیدالله بن علی حلبی از واژه «ثقه» استفاده می‌شود،^۳ این بدان معناست که رجالی با بررسی محتوایی کتاب حلبی، وی را در جهت انتقال این آموزه‌ها مورد اعتماد دانسته است. در مقابل، اگر در ترجمه یک راوی از واژه «ضعیف» استفاده شود، بدان معناست که طبق داوری رجالی، وی در انتقال آموزه‌های منتسب به معصومان علیهم‌السلام در کتاب خود چندان موفق نبوده است.^۴ حال با توجه به این نکته، مفهوم‌گیری دقیق‌تر از توصیفات رجالی به شاخص‌های ذیل بستگی دارد:

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶.

۲. «شیخ أصحابنا في وقته بالري و وجههم و كان أوثق الناس في الحديث و أثبتهم. صنف الكتاب الكبير المعروف بالكليني يسمي الكافي في عشرين سنة.» (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۸، ش ۷۲)؛ «محمد بن یعقوب الكليني، يكتني أباجعفر، ثقة، عارف بالأخبار.» (طوسی، الفهرست، ص ۳۹۳، ش ۶۰۲)؛ «يكني أباجعفر الأعور جليل القدر عالم بالأخبار و له مصنفات يشتمل عليها الكتاب المعروف بالكافي.» (طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۳۹، ش ۶۲۷۷).

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۰۳.

۴. حسینی شیرازی و شاکر، «مفهوم‌شناسی توثیق و تضعیف»، تا اجتهاد، پیش‌شماره ۵، ص ۱۹۶-۲۱۷؛ «واکاوی مهمترین معیار داوری رجالیان در پرتو نگرش کلامی»، امامت پژوهی، شماره ۱۷؛ سیدعلیرضا حسینی، اعتبارسنجی احادیث شیعه، صص ۳۲۱-۴۲۸.

۱. نزدیکی یا دوری زمان نگارش کتاب به معصوم

بدون تردید در بازه زمانی امامت امام باقر علیه السلام و پس از آن یک نهضت علمی و انقلاب فرهنگی در جامعه شیعه به وقوع پیوست. شیعیان در این دوره به نگارش آموزه‌های حدیثی در قالب کتاب روی آوردند.^۱ در زمان امام صادق علیه السلام در کنار نگارش حدیث، فرهنگ کتابخوانی نیز در میان فرهیختگان و دین‌پژوهان نهادینه و فراگیر شده بود^۲ و شیعیان آموزه‌های دینی را از لابه‌لای نگاه‌های حدیثی دریافت می‌کردند. فرهنگ کتاب محوری در جامعه شیعه پیامدهای مثبت فراوانی را به ارمغان آورد که یکی از این پیامدها را می‌توان در داوری‌های رجالیان به وضوح مشاهده کرد. در فرهنگ اعتبارسنجی و کتاب‌های رجالی تنها یک گروه از راویان هستند که در یک نگاه حداکثری به میز داوری رجالی راه پیدا کرده‌اند؛ یعنی راویانی که دارای یک کتاب یا چند حدیث هستند.^۳

در این بازه زمانی تا عصر امامت جواد علیه السلام که ارتباط چهره به چهره با امام برقرار است، کار محدثان از دشواری چندانی برخوردار نیست. البته هر چه از زمان امام باقر علیه السلام فاصله می‌گیریم زیرگروه‌های فرهنگی و اعتقادی در شیعه نمود بیشتری می‌یابند. در زمان امام صادق علیه السلام و پس از آن ناووسیه رخ می‌نماید. پس از بازه زمانی امامت امام صادق علیه السلام، فطحیه اعلام وجود می‌کنند و پس از امامت امام کاظم علیه السلام، واقفه سر بر می‌آورند. این همه، افزون بر گرایش‌های

۱. نهضت کتابت حدیث با توصیه‌های امامان آغاز شد. (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲، ح ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱) این توصیه‌ها به جایی رسید که شمار نگاه‌های نسبت داده شده به این راویان، در یک نگاه ساده و گذرا ۴۸۹ کتاب است. این در حالی است که در یادکرد تعدادی از آنان با عبارت‌هایی چون «له کتب»، «له کتب، منها»، «صنف کتباً منها» و «صنف کتباً کثیره» و عبارت‌هایی از این دست روبه‌رو هستیم؛ حال آنکه در بسیاری از این موارد تنها از یک کتاب نام برده شده است. حسینی شیرازی، اعتبارسنجی احادیث شیعه، ص ۲۳۵.

۲. مقصود از کتاب‌خوانی، فرهنگ قرائت و سماع نگاه‌های حدیثی در میان اصحاب است. برای نمونه ن.ک: کلینی، الکافی، ج ۱ ص ۵۲ ح ۵؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۴۵، ش ۳۷۵، «قرائت مستمر کتاب حریر بن عبدالله از زمان تألیف تا عصر نجاشی»؛ همان، ص ۳۹، ش ۸۰، «جریان حسن بن علی و شام و احمد بن محمد بن عیسی»؛ همان، ص ۳۵، ش ۷۲، «قرائت کتاب عبدالله بن بکیر توسط حسن بن علی بن فضال بر فضل بن شاذان». روش قرائت و سماع برای انتقال کتاب‌های حدیثی تا قرن چهارم - و پس از آن - ادامه پیدا کرد؛ چنان‌که حسین بن عبیدالله غضائری از قرائت کتب ابوغالب زراری بر وی خبر می‌دهد. (طوسی، الفهرست، ص ۷۵، ش ۹۴) از نمونه‌های مهم نهادینه شدن فرهنگ قرائت سماع در قرن پنجم نیز می‌توان به یادکرد سید مرتضی اشاره کرد، شیخ طوسی پس از نام بردن کتاب‌های وی می‌نویسد: «قرأت هذه الكتب أكثرها عليه و سمعت سائرها تقرأ عليه دفعات كثيرة». (همان، ص ۲۹۰، ش ۴۳۲).

۳. حسینی شیرازی و شاکر، «مفهوم شناسی توثیق و تضعیف»، تا اجتهاد، پیش شماره ۵، صص ۱۹۶-۲۱۷.

کلامی دگرگونی است که نسبت به یکدیگر زاویه دارند.^۱ اما با نزدیکی زمان به معصوم، کار محدث در دریافت آموزه‌ها و گزارش آن در ساختار حدیث با دشواری چندانی روبه‌رو نیست. با فاصله گرفتن از عصر معصومان، یعنی زمانی که کلینی دست به نگارش کتاب کافی می‌زند، دست‌کم چهار حوزه حدیثی با فعالیت جدی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند:

الف. حوزه حدیثی کوفه با همه نگرش‌هایی که در طول تاریخ پیدا کرده، ضمن این که اصیل‌ترین حوزه حدیثی شیعه است در یک مقطع زمانی رو به افول می‌رود و برخی از آموزه‌های حدیثی شیعه را برنمی‌تابد. به عنوان نمونه، نجاشی در یک تصویرسازی از فعالیت حدیثی «ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی» می‌نویسد: «و کان سبب خروجه من الکوفة أنه عمل کتاب المعرفة و فيه المناقب المشهورة و المثالب فاستعظمه الکوفیون و أشاروا علیه بأن یترکه و لا یخرجه فقال: أئی البلاد أبعد من الشیعة فقالوا: أصفهان فحلف لا أروی هذا الكتاب إلا بها فانقل إليها»^۲؛

ب. حوزه حدیثی بصره با همه نگرش‌های پیرامامتی و نگرش‌هایی که از جانب دانشیان رجال، غالیانه شمرده شده است^۳؛

ج. حوزه حدیثی بغداد با همه غنای علمی که در شخصیت‌هایی چون یونس بن عبد الرحمن و محمد بن ابی عمیر وجود دارد؛

د. حوزه حدیثی قم به عنوان یک مکتب نص‌گرای حدیثی.

حال
پوشش‌ها

پیش‌فرض‌های تحلیل فرصت‌های رجال: مطالعه موردی اعتبار کافی

۱. اقوام کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»، نقد و نظر، ش ۱۶۵، سال ۱۳۹۱ ش؛ رضایی و صفیری فروشانی، «تبیین معنای اصطلاح علمای ابرار با تأکید بر جریانات فکری اصحاب ائمه (علیهم‌السلام)»، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۱، سال ۱۳۹۱ ش.
۲. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۷، ش ۱۹.
۳. به عنوان نمونه می‌توان از عبداللّه بن عبدالرحمن اصم نام برد. نجاشی درباره وی می‌نویسد: «بصری ضعیف غالب لیس بشیء». (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۱۷، ش ۵۶۶) ابن‌غضائری نیز در یادکرد وی آورده است: «أبو محمد. ضعیف مرتفع القول. له کتاب فی الزیارات ما یدل علی خبث عظیم و مذهب متهافت و کان من کذابة أهل البصرة.» (ابن‌غضائری، الرجال، ص ۷۶) کلینی ۱۰۳ روایت از وی نقل کرده است که بیش از ۸۱ در صد از این روایات توسط محمد بن حسن بن شمون، یکی دیگر از متهمان به غلو (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۳۵، ش ۸۸۹؛ طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۰۲؛ کشی، رجال الکشی، ص ۳۲۲، ش ۵۸۴) روایت شده است. محمد بن سلیمان دیلمی یکی دیگر از متهمان به غلو است. دانشیان رجال او را بصری خوانده‌اند. (طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۴۳ و ۳۶۳). نجاشی درباره او و پدرش می‌نویسد: «کان غالباً کذاباً و كذلك ابنه محمد لا یعمل بما انفردا به من الروایة.» (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۸۲، ش ۴۸۲) و در یادکرد خود او می‌نویسد: «ضعیف جداً لا یعول علیه فی شیء.» (همان، ص ۳۶۵ ش ۹۸۷).

در واقع کلینی وارث مجموعه‌ای عظیم از میراث فرهنگی شیعه بود. همه زیرمجموعه‌های کلامی، تمام نگرش‌های پیرامامتی در خصوص مقامات معصومان، تمام نگرش‌های کلامی در خصوص مباحث توحیدی و هر آموزه‌ای که از اواخر قرن نخست سال ۹۵ و آغاز امامت امام باقر علیه السلام و حتی پیش از آن- تا اوایل قرن چهارم - یعنی هنگام تألیف کتاب کافی- در جامعه شیعی و یا حتی اسلامی رخ نموده است، در مقابل شیخ کلینی قرار دارد. وجود این مجموعه وسیع و فاصله زمانی با معصوم، قدرت انتخاب را برای نویسنده بسیار مشکل می‌کند. اگر مؤلف در به تصویر کشیدن یک نگرش جامع، توان گزینش آموزه‌های صحیح را داشته باشد، شاهد مهمی بر توان عملی و گستره معلومات دین‌شناختی نگارنده است.

۲. حجم مجموعه آموزه‌های راه‌یافته به کتاب

می‌دانیم که نخستین نگاه‌های حدیثی در یک تقسیم‌بندی اولیه به اصل و تصنیف تقسیم می‌شود. به طور معمول اصول حدیثی شیعه در یک ارتباط و رویارویی چهره به چهره با معصوم نگاه‌شده‌اند و حجم بسیار کمی از روایات را در خود جای داده‌اند؛ به عنوان نمونه، کتاب عاصم بن حمید حناط که یکی از اصول شانزده‌گانه است تنها دربردارنده ۱۰۰ روایت است^۱؛ اما کتاب کافی کلینی، با نزدیک به ۱۶ هزار حدیث در تمام ریزموضوعات مرتبط با مسائل دین‌شناختی، از حجم بسیار قابل توجهی برخوردار است. حجم نگاه‌شده می‌تواند تأثیر مستقیم در تحلیل واژگان توصیفی داشته باشد.

۳. تک یا چند بعدی بودن کتاب

چنانچه پیشتر اشاره شد، نهضت کتابت حدیث و در پی آن، فرهنگ کتاب‌محوری در میان شیعیان باعث به وجود آمدن نگاه‌های حدیثی فراوانی در بستر علمی جامعه شد؛ اما در بسیاری از موارد این نگاه‌های حدیثی تک بعدی و دارای یک موضوع خاص بودند؛ به عنوان نمونه، کتاب الصلاة، کتاب الصوم، کتاب الحج و دیگر کتاب‌ها که یکی از ابواب آموزه‌های رفتاری (فقه) یا آموزه‌های اعتقادی را پوشش می‌داد؛ البته برخی از این کتاب‌ها از

۱. مقصود از اصول شانزده‌گانه، نگاه‌هایی است که از قرون نخستین باقیمانده است. طبق شمارش کتاب اصول الستة عشر به تحقیق ضیاء‌الدین محمودی مجموعه روایات اصول شانزده‌گانه ۶۴۷ روایت است. (این کتاب در سال ۱۳۸۱ش توسط انتشارات دارالحدیث در قم به چاپ رسید).

حجم قابل توجه‌ای برخوردار بودند؛ هم‌چون کتاب الصلاة عبدالله بن سنان که با وصف «کبیر» معرفی شده است،^۱ و یا کتاب الصلاة حرز بن عبدالله سجستانی^۲. در مقابل کتابهای تک موضوعی، کتابهایی نیز وجود دارد که همه آموزه‌های حدیثی نهفته در یک نگرش و جهان‌بینی را در خود جای می‌دهد، هم‌چون کتاب کافی که به تصویرسازی نمای جامع و همگانی از تفکر شیعی، اعم از زیرساخت‌ها (اصول) و روبناها (فروع) و دیگر مسائل مرتبط (روضه) پرداخته است. کدام موضوع مرتبط با آموزه‌های دینی در کافی وجود ندارد؟ به عنوان نمونه: جایگاه عقل در کشف معارف دینی؛ چگونگی نگرش به توحید و ارتباط توحید با نظام هستی؛ چگونگی دانش‌اندوزی دینی و اصول حاکم بر راهبرد یا راهبردهای دین‌پژوهی؛ چگونگی نگرش به شاهراه هدایت یعنی همان موضوع امامت؛ جایگاه قرآن و چگونگی تنظیم رفتار با قرآن و کشف آموزه‌های دینی از قرآن؛ همه ابواب فقهی.

۴. خاستگاه علمی داوران کتاب

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در تاریخ حدیث، دست‌کم در سال‌های اخیر مورد توجه حدیث‌پژوهان قرار گرفته، مطالعه پیرامون حوزه‌ها و مکتب‌های حدیثی متفاوت در تعامل با احادیث است. در طول تاریخ حدیث شیعه با سه حوزه حدیثی شاخص مواجه هستیم: حوزه کوفه، حوزه قم و حوزه بغداد که بر این سه حوزه دو نگرش کلی حاکم است: نگرش عقل‌گرایی و نگرش نص‌گرایی.

بیشتر حدیث‌پژوهان بر این باورند که حوزه کوفه و قم دو حوزه نص‌گرا هستند؛ اما بغداد، به‌ویژه بغداد عصر شیخ مفید و دو شاگردش سیدمرتضی و شیخ طوسی، سنبل عقل‌گرایی و شاخص قرار دادن عقل در تعامل با احادیث شیعه است. داورانی که درباره کلینی و کتاب کافی اظهار نظر کرده‌اند از حوزه بغداد برخاسته‌اند؛^۳ یعنی پیرو مکتب نص‌گرای حدیثی قم نبوده، بلکه از نگاه مکتب سخت‌گیر بغداد که اهل تساهل و تسامح نبوده‌اند به داوران کتاب کافی نشسته‌اند؛ سخت‌گیری حوزه بغداد را می‌توان در چند گزارش

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۱۴، ش ۵۵۸.

۲. همان، ص ۱۴۵، ش ۳۷۵.

۳. از میان شش اثر رجالی کهن شیعه، رجال برقی، رجال کشی، رجال ابن‌غضائری، رجال طوسی، فهرست نجاشی و فهرست طوسی چهار اثر مربوط به حوزه بغداد است و خاستگاه علمی سه نگارنده از میان نگارندگان بغداد است، چه اینکه ابن‌غضائری، طوسی و نجاشی در بغداد به بالندگی علمی رسیده‌اند.

تاریخی که در ادامه خواهد آمد به خوبی مشاهده کرد.

شیخ صدوق در کتاب اعتقادات الإمامیه که فارغ از ساختارهای حدیثی به شمارش مجموعه باورهای امامیه می‌پردازد، در فرازی می‌نویسد: «اگر کسی مشایخ حدیثی قم را متهم به تقصیر کند، پا در ورطه غلو گذاشته است»؛^۱ در واقع صدوق از آن جهت که پیرو مکتب حدیثی قم است یکی از شاخصه‌های غالی‌گری یا تمایل به غالی‌گری را متهم کردن مشایخ قم به تسامح و تساهل و تقصیر می‌داند؛ در مقابل در کتاب منسوب به شیخ مفید با عنوان تصحیح الاعتقاد که حاشیه‌ای بر اعتقادات الإمامیه شیخ صدوق است بر این سخن خرده گرفته شده و آمده است: «انتساب اهل قم به تقصیر علامت غلو نیست؛ زیرا در میان همان کسانی که صدوق آنان را به استادی و علم وصف کرده است کسانی هستند که مقصّر باشند... - به عنوان نمونه - از ابن ولید نقل قولی شنیده‌ایم که نخستین درجه غلو نفی سهو از نبی و امام است^۲؛ اگر این حکایت صحیح باشد، قطعاً ابن ولید از مقصّران است، گرچه که از علما و مشایخ قم باشد.»^۳

نمونه دیگر را می‌توان در گزارش نجاشی در یادکرد عبیدالله بن احمد ابوطالب انباری مشاهده کرد: ابوطالب انباری در یک بازه زمانی طولانی از عمرش واقفی بوده؛ اما توبه می‌کند و به دامن تفکر دوازده امامی باز می‌گردد و به تعبیر نجاشی در مدراج علمی به جایگاه یک محدث ثقة حدیث‌شناس می‌رسد. ابوطالب انباری به بغداد سفر می‌کند. بغدادی‌ها در یک رفتار علمی هماهنگ به هیچ عنوان اجازه ارتباطگیری دانش‌پژوهان جوان را با او نمی‌دهند و به اصطلاح او را بایکوت علمی می‌کنند. نجاشی از این رفتار حوزه حدیثی بغداد به ستوه آمده و به شدت به این رفتار اعتراض می‌کند.^۴

نمونه دیگر، رفتار خود نجاشی با فردی به نام ابوالفضل محمد بن عبدالله شیبانی است. نجاشی در یادکرد او می‌نویسد: «وی بیشتر عمر خود را در طلب حدیث مسافرت کرده است... سپس دارای لغزش شد و بسیاری از اصحاب ما او را تضعیف می‌کردند... من سال‌ها از او درس

۱. ابن بابویه، اعتقادات الإمامیه، ص ۱۰۱.

۲. شیخ صدوق این سخن را در جایی دیگر، خود به استاد خویش ابن ولید نسبت می‌دهد: «و کان شیخنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید رحمه الله یقول: أول درجة في الغلو نفی السهو عن النبي ﷺ» (ابن بابویه، کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰)

۳. شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ص ۱۳۵.

۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۳۲، ش ۶۱۷.

گرفتم؛ اما - به خاطر همین لغزش - دیگر از او روایت نکردم، مگر به واسطه شخص دیگری.^۱ حوزة بغداد این گونه است که در مجموعه معارف راه یافته به کتاب های حدیثی - به ویژه آموزه های کلامی - اهل تسامح و تساهل نبوده است. خاستگاه علمی شیخ طوسی و نجاشی که از مهم ترین داوران کتاب کافی هستند همین بغداد است که با شاخصه های عقل گرایی و حساسیت در موشکافی از آموزه های دینی - به ویژه آموزه های - کلامی بالنده شده است. ممکن است کلینی کتابی را که برآیند تفکرات دین شناختی حوزة حدیثی قم است بنگارد و داور آن کتاب نیز همسو با نگرش های وی باشد؛ یعنی شاخصه های دین شناختی اش شاخصه های همان حوزة حدیثی قم باشد، این داوری نباید چندان ارزشی داشته باشد؛ اما اگر داوران از حوزة حدیثی دیگری بودند، با نگرش ها و زیرساختهایی دیگر، بی تردید نگاه این داوران با داورانی که با حوزة فکری کلینی و خاستگاه علمی او همسو هستند تفاوت دارد و اگر نگاه ایجابی داشته باشد، یعنی به مدح و ستودن آن نگاشته پرداخته باشند از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

۵. بازه زمانی فعالیت علمی و فرهنگی نگارنده

گاهی یک اثر فاخر در یک بازه زمانی خاصی تولید می شود که هیچ فعالیت علمی و فرهنگی وجود ندارد؛ به عنوان نمونه، در گذشته حدیث شیعه تا قبل از نگاشته شدن کتاب عبیدالله بن علی حلبی و عرضه آن به جامعه فرهنگی^۲ نگاشته ای در این حد و اندازه در جامعه شیعه وجود ندارد. در واقع سرآغاز کتاب محوری رسمی و روشمند شیعه با تألیف کتاب عبیدالله بن علی حلبی آغاز شد؛ در چنین شرایطی قطعاً این کتاب مورد توجه و تأیید جامعه علمی شیعه و شخص امام صادق علیه السلام قرار می گیرد^۳؛ اما اگر نویسنده ای در یک بازه زمانی که چهره های علمی حضور پررنگ و پرشماری دارند و آثار فرهنگی مختلفی تألیف کرده اند به نگاشتن یک اثر فرهنگی همت گماشت و این اثر در آن بازه زمانی و از نگاه همه حتی داورانی

۱. همان، ص ۳۹۶، ش ۱۰۵۹. نمونه ای دیگر از سخت گیری حوزة بغداد را می توان در برخورد بغدادیان با ابن عیاش جوهری جستجو کرد. نجاشی در یادکرد وی می آورد: «رأيت هذا الشيخ و كان صديقاً لي و لوالدي و سمعت منه شيئاً كثيراً و رأيت شيوخنا يضعفونه فلم أرو عنه شيئاً و تجنبتة.» (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۸۵ ش ۲۰۷).

۲. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۳۶۵، ش ۶۱۲.

۳. همان.

خارج از حوزه و خاستگاه علمی او مورد تقدیر قرار گرفت، ارزش ویژه و چند چندان دارد. افزون بر وجود آثار فرهنگی درخشان - که در طول نزدیک به دو قرن نگاشته شده است - در بازه زمانی فعالیت علمی - فرهنگی کلینی چهره‌های درخشان و پرشماری در جامعه علمی حضور دارند و شهر قم فعال‌ترین حوزه حدیثی شیعه است که فرهیختگان فراوانی در این حوزه مشغول فعالیت علمی هستند. برخی از چهره‌های علمی در این بازه زمانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که داور و ارزش‌گذار همه این چهره‌های علمی بغدادیان هستند.

الف. طبقه مشایخ کلینی:

محمد بن یحیی عطار: نجاشی درباره وی می‌نویسد: «شیخ أصحابنا فی زمانه عین»^۱. محمد بن یحیی عطار با ۴۸۳۵ روایت در کنار علی بن ابراهیم قمی با ۵۶۲۶ روایت از مشایخ پرتکرار کلینی هستند که تأثیر فراوانی در شکل‌گیری شخصیت علمی کلینی داشته‌اند. علی بن ابراهیم قمی: نجاشی در مورد وی می‌نویسد: «ثقة فی الحدیث ثبت (استوار بی لغزش) معتمد صحیح المذهب»^۲.

احمد بن ادریس اشعری قمی: نجاشی در یادکرد وی از عبارت «كان ثقة فقیهاً فی أصحابنا کثیر الحدیث صحیح الروایة»^۳ استفاده می‌کند؛ صحت در لغت به معنای «ذهاب السقم والبراءة من کل عیب وریب» است.^۴ او نیز با ۸۶۲ روایت در کافی از مشایخ پرتکرار کلینی است. سعد بن عبدالله بن اشعری قمی: نجاشی درباره سعد می‌نویسد: «شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها»^۵.

عبدالله بن جعفر حمیری: نجاشی در یادکرد وی آورده است: «شیخ القمیین و وجههم قدم الکوفة سنة نیف و تسعین و مائتین و سمع أهلها منه فأكثر و صنف کتباً کثیرة»^۶. در این عبارت مرحوم نجاشی به روشنی جایگاه حوزه حدیثی قم در بازه زمانی حیات مشایخ کلینی به تصویر کشیده شده است. تا چندی پیش محدثان قم برای تحصیل و دانش‌آموزی

۱. همان، ص ۳۵۳، ش ۹۴۶.

۲. همان، ص ۲۶۰، ش ۶۸۰.

۳. همان، ص ۹۲، ش ۲۲۸.

۴. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۴.

۵. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۷۷، ش ۴۶۷.

۶. همان، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

به کوفه سفر می‌کردند؛ چرا که کوفه مرکز گسترش فرهنگ شیعه بود؛ اما در عصر فعالیت علمی حمیری، محدثان قم به جهت تدریس و تزریق فرهنگ به کوفه می‌روند؛ حمیری یکی از مدرسان آموزه‌های دین‌شناسی در حوزه کوفه بود.

محمدبن‌علی بن‌محبوب: ابن‌محبوب نیز از روایان و فرهیختگان سرشناس حوزه حدیثی قم بود، نجاشی در معرفی شخصیت وی می‌نویسد: «أبو جعفر شيخ القميين في زمانه ثقة عين فقيه صحيح المذهب»^۱.

محمدبن‌حسن صفار: وی صاحب کتاب بصائر الدرجات یکی از کهن‌ترین متون حدیثی برجای مانده است. نجاشی درباره وی می‌نویسد: «كان وجهاً في أصحابنا القميين ثقة عظيم القدر راجحاً قليل السقط في الرواية»^۲.

ب. طبقه معاصران کلینی:

محمدبن‌حسن بن‌احمد بن‌ولید: چنین به نظر می‌رسد که در گذشته تاریخ و فرهنگ شیعه، ابن‌ولید و ابن‌نوح سیرافی، استاد مرحوم نجاشی زبردست‌ترین میراث‌شناسان حدیثی شیعه هستند. نجاشی در توصیف ابن‌ولید می‌نویسد: «أبو جعفر شيخ القميين و فقيههم و متقدمهم و وجههم. و يقال: إنه نزيل قم و ما كان أصله منها. ثقة ثقة عين مسكون إليه»^۳.

محمدبن‌علی بن‌بابویه: شیخ صدوق نیز با کمی تاخیر از چهرهای سرشناس معاصر کلینی است. نجاشی درباره وی می‌نویسد: «شيخنا و فقيهننا و وجه الطائفة بخراسان و كان ورد بغداد سنة خمس و خمسين و ثلاثمائة و ستم منه شيوخ الطائفة و هو حدث السن»^۴.

نکته قابل توجه آن است که بیشتر این چهره‌های درخشان از پرتألیف‌ترین روایان هستند و نگاشته‌های حدیثی فراوانی از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ اما در میان همه این چهره‌ها نجاشی در یادکرد کلینی از وصف قابل اعتمادترین و استوارترین استفاده می‌کند و این وصف را برای هیچ کدام از شخصیت‌های پیش‌گفته به کار نمی‌برد: «شيخ أصحابنا في وقته بالري و وجههم و كان أوثق الناس في الحديث و أثبتهم»^۵.

۱. همان، ص ۳۴۹، ش ۹۴۰.

۲. همان، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸.

۳. همان، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۲.

۴. همان، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹.

۵. همان، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶.

کوتاه سخن آنکه کلینی تک درختی در کویری بی آب و علف نیست تا چشمان ناظران را خیره کند؛ بلکه وی در باغ و بستانی بزرگ است که در میان همه گل‌ها و درختان ویژگی خاصی دارد. توجه نسل‌های مختلف به این کتاب به قدری چشم‌گیر است که از زمان تألیف و نشر کتاب کافی در قم و بغداد تا زمان نجاشی، پیوسته توسط حدیث‌پژوهان در فرآیند قرائت و سماع قرار می‌گرفته و به عنوان یک متن دینی قابل اعتماد مورد توجه دین‌پژوهان بوده است. نجاشی در این خصوص می‌نویسد: «كنت أتردد إلى المسجد المعروف بمسجد اللؤلؤي وهو مسجد نفطويه النحوي أقرأ القرآن على صاحب المسجد و جماعة من أصحابنا يقرءون كتاب الكافي على أبي الحسين أحمد بن أحمد الكوفي الكاتب حدثكم محمد بن يعقوب الكليني»^۱. با توجه به گزارش‌ها به طور مستمر کتاب کافی توسط اندیشمندان روایت شده است.^۲

۶. معیار داوری

همیشه در گذشته تاریخ شیعه حتی در زمان حضور معصومان مهم‌ترین معیار داوری سنجش و نقد محتوایی بوده؛ اما با فاصله گرفتن از عصر معصومان و پیدایش نگرش‌های مختلف کلامی در گستره جغرافیایی فرهنگ شیعه، سنجش و نقد محتوایی بیش از پیش ایفای نقش می‌کند. بدون شک سنجش محتوایی یکی از مهم‌ترین معیارهای تأثیرگذار در داوری داوران بوده است. شخص داور مجموعه آموزه‌هایی که با آن مواجهه می‌شود را با بدنه دین‌شناسی خود مورد سنجش قرار می‌دهد و اگر امکان برقراری ارتباط با آن مجموعه را

۱. همان، ص ۳۷۶، ش ۱۰۲۶.

۲. طبقه اول: بعضی از شاگردان کلینی که کافی را روایت کرده‌اند: احمد بن محمد ابوغالب زاری، جعفر بن محمد بن قولویه، احمد بن ابراهیم صمیری (ابن ابی‌رافع)، هارون بن موسی تعلقبری، ابومفضل محمد بن عبدالله شیبانی (طوسی، الفهرست، ص ۳۹۳، ش ۶۰۳)، عبدالله بن عبدالکریم بن نصر بزاز (همو، من لایحضره الفقیه، مشیخه، ص ۵)، احمد بن احمد ابو حنین کوفی کاتب (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶)، احمد بن علی بن سعید کوفی (طوسی، الفهرست، ص ۱۳۵، ش ۵۹۱)؛ طبقه دوم: بعضی از شاگردان کلینی این کتاب را دریافت کرده و روایت کرده‌اند: حسین بن عبیدالله غضائری (همان، ص ۳۹۳، ش ۶۰۳)، احمد بن عبدون (ابن حاشر) (همو، من لایحضره الفقیه، مشیخه، ص ۵)، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، سید مرتضی علم الهدی (طوسی، الفهرست، ص ۳۹۵، ش ۶۰۳)، احمد بن علی بن نوح؛ طبقه سوم: صاحبان فهرس احمد بن علی نجاشی (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۷۶، ش ۱۰۲۶) و محمد بن حسن طوسی. (طوسی، الفهرست، ص ۳۹۴).

داشته باشد - تا منظومه دین‌شناختی داور را کامل کند و به تصویر روشن‌تری برسد - آن را می‌پذیرد و در غیر این صورت یا نفی می‌کند یا توقف؛ اگر داورن به اعتبار کتابی حکم کنند کاشف از آن است که محتوای این مجموعه کاملاً منطبق با یافته‌های دین‌شناسانه آنان است. شواهد نگاه محتوایی در دو کتاب رجال نجاشی و طوسی به شدت به چشم می‌خورد. به برخی از این نمونه‌ها اشاره می‌شود:

«له کتاب معتمد»^۱، «عامی المذهب إلا أن کتابه معتمد»^۲، «له کتاب فیه تخلیط»^۳، «له کتاب تفسیر الباطن تخلیط کله»^۴، «أخبرنا بجمیع کتبه إلا ما کان فیه من تخلیط أو غلو»^۵، «له کتاب ردی الحدیث، مضطرب الألفاظ»^۶، «رأیت کتبه فیها الأسانید من دون المتون و المتون من دون الأسانید»^۷.

با توجه به این نمونه‌ها و موارد فراوان دیگر می‌توان گفت بررسی محتوایی مهم‌ترین عامل پذیرش یا عدم پذیرش آموزه‌های کلامی است که در طول تاریخ حدیث شیعه به فراوانی به چشم می‌خورد.^۸ امام باقر علیه السلام با پیام‌های مختلف به چالش‌ها و بحران‌هایی که جامعه اسلامی را به خود مشغول کرده توجه می‌دهند و به حساسیت آنها اشاره می‌کنند؛^۹ یکی از این نکات

۱. طوسی، الفهرست، ص ۱۵۸، ش ۲۴۲.

۲. همان، ص ۲۵۶، ش ۳۷۳.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۶۵، ش ۴۳۴.

۴. همان، ص ۲۵۱، ش ۶۶۰.

۵. طوسی، الفهرست، ص ۴۱۳، ش ۶۲۷.

۶. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۶۱، ش ۱۳۸.

۷. ابن‌غضائری، الرجال، ص ۹۹، ش ۱۴۹.

۸. حسینی شیرازی و حمادی، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۱؛ حسینی شیرازی و شاکر، مقاله «واکاوی مهم‌ترین معیار دآوری رجالی در پرتو نگرش کلامی»، امامت پژوهی، شماره ۱۷.

۹. به عنوان نمونه یکی از بحران‌های جامعه در عصر امام باقر علیه السلام رویگردانی از نهاد امامت بود. امام باقر علیه السلام در روایتی به این بحران و حساسیت آن اشاره می‌کنند: «محمد عن أحمد عن علي بن النعمان رفعه عن أبي جعفر علیه السلام قال قال أبو جعفر علیه السلام يَمْصُونَ النَّمَادَ - وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ قِيلَ لَهُ وَمَا النَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَالْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَهَلَّمَ جَرًّا إِلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله قِيلَ لَهُ وَمَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عَلِمَ النَّبِيُّينَ بِأَسْرِهِ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله صَبَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ - فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمَ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام اسْمَعُوا مَا يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ مَسَامِعَ مَنْ يَشَاءُ إِنِّي حَدَّثْتُهُ أَنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله عِلْمَ النَّبِيِّينَ وَ أَنَّهُ جَمَعَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ هُوَ يَسْأَلُنِي أَ هُوَ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ.» (كلینی، الکافی، ج ۱ ص ۲۲۲).

مهم که در روایات به دست رسیده است توجه دادن به سنجش محتوایی به عنوان معیار پذیرش و عدم پذیرش روایات است چنانکه در روایت پیش رو ملاحظه می شود:

عنه عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن جميل بن صالح عن أبي عبيدة الحذاء قال سمعت أبا جعفر يقول والله إن أحب أصحابي إلي أروعهم وأفقههم وأكتمهم لحديثنا وإن أسوأهم عندي حالاً وأفقتهم للذي إذا سمع الحديث ينسب إلينا ويؤى عنا فلم يقبله أشماز منه وجرده وكفر من دان به وهو لا يدري لعل الحديث من عندنا خرج وإلينا أسند فيكون بذلك خارجاً عن ولايتنا.^۱

در این روایت که از جهت سندی بسیار استوار است، امام باقر علیه السلام به چهار مرحله تعامل با یک روایت توجه می دهند:

۱. عدم پذیرش «فلم يقبله»؛
۲. موضع گیری منفی «اشماز منه»؛
۳. انکار محتوا «جرده»؛
۴. تکفیر کسی که مفاد روایت را پذیرفته است «كفر من دان به».

برخورد اصحاب امام رضا علیه السلام با یونس بن عبدالرحمن را می توان مصداق بارزی از سنجش محتوایی دانست؛ چرا که از گزارش های رسیده بر می آید که وی از جانب جمع فراوانی از اصحاب امام رضا علیه السلام به جهت مضامین روایاتش مورد هجمه قرار گرفته بود. کشی در گزارش ۹۳۰ آورده است که به یونس بن عبدالرحمن گفته شد: «إن كثيراً من هذه العصابة يقعون فيك و يذكرونك بغير الجميل!» وی در پاسخ گفت: «فقال: أشهدكم أن كل من له في أمير المؤمنين نصيب فهو في حل مما قال»^۲. همو در گزارش دیگری آورده است که یونس بن عبدالرحمن نسبت به این برخورد اصحاب، نزد امام رضا علیه السلام شکایت کرد و حضرت در پاسخ وی فرمود: «فقال الرضا علیه السلام: دارهم فإن عقولهم لا تبلغ»^۳. با توجه به این توصیه حضرت رضا علیه السلام به وی، می توان گفت مضامین نقل شده توسط وی فراتر از درک برخی بوده و به همین جهت حضرت او را به رفق و مدارا توصیه می کنند. نشان درستی این برداشت گزارش دیگری از کشی است که امام رضا علیه السلام چنین یونس را مخاطب قرار می دهند: «يا يونس ارفق بهم فإن كلامك يدق

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۳.
۲. کشی، رجال الکشی، ص ۴۸۸، ش ۹۳۰.
۳. همان، ص ۴۸۸، ش ۹۲۹.

علیهم.»^۱ از این عبارت استفاده می‌شود که کلام (سخن و حدیث) یونس بن عبدالرحمن دور از دسترس فهم مخاطب است و بر آنان گران می‌آید.

این گزارش‌ها را می‌توان در کنار گزارش ذیل به خوبی درک کرد:

محمد بن عیسی بن عبید عن أخیه جعفر بن عیسی، قال: كُنَّا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام وَ عِنْدَهُ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ إِذِ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَأَوْمَأَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام إِلَى يُونُسٍ أَدْخُلِ الْبَيْتَ فَإِذَا بَيْتٌ مُسْبَلٌ عَلَيْهِ سِتْرٌ وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْحَرَكَ حَتَّى يُؤْذَنَ لَكَ فَدَخَلَ الْبَصْرِيُّونَ فَأَكْثَرُوا مِنَ الْوَقِيعَةِ وَالْقَوْلِ فِي يُونُسٍ وَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مُطْرَقٌ حَتَّى لَمَّا أَكْثَرُوا فَقَامُوا وَ دَعَوْا وَ خَرَجُوا فَأَذِنَ يُونُسٌ بِالْخُرُوجِ فَخَرَجَ بِأَكْبَرٍ فَقَالَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ إِنِّي أَحَامِي عَنْ هَذِهِ الْمَقَالَةِ وَ هَذِهِ حَالِي عِنْدَ أَصْحَابِي فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَا يُونُسُ فَمَا عَلَيْكَ مِمَّا يَقُولُونَ إِذَا كَانَ إِمَامُكَ عَنْكَ رَاضِيًا يَا يُونُسُ حَدِّثِ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ اتْرِكْهُمْ مِمَّا لَا يَعْرِفُونَ كَأَنَّكَ تُرِيدُ أَنْ تُكْذِبَ عَلَى اللَّهِ فِي عَرْشِهِ يَا يُونُسُ وَ مَا عَلَيْكَ أَنْ لَوْ كَانَ فِي يَدِكَ الْيُمْنَى دُرَّةٌ ثُمَّ قَالَ النَّاسُ بَعْرَةٌ أَوْ بَعْرَةٌ وَ قَالَ النَّاسُ دُرَّةٌ هَلْ يَنْفَعُكَ شَيْئًا فَقُلْتَ لَا فَقَالَ هَكَذَا أَنْتَ يَا يُونُسُ إِذَا كُنْتَ عَلَى الصَّوَابِ وَ كَانَ إِمَامُكَ عَنْكَ رَاضِيًا لَمْ يَضُرَّكَ مَا قَالَ النَّاسُ.^۲

مقصود از «هذه المقالة» امر امامت و دفاع از امامت امام رضا عليه السلام در برابر شبهه‌های واقفه است. صفوان بن یحیی و یونس بن عبدالرحمن در خط مقدم مبارزه با واقفه بودند. امام رضا عليه السلام به یونس بن عبدالرحمن توصیه می‌کنند: «برای مردم به میزان تحمل دریافتشان روایت کن» که در غیر این صورت اگر محتوای احادیث را در نیافتند تکذیب می‌کنند. از این گزارش به خوبی استفاده می‌شود که سنجش محتوایی، مهم‌ترین شاخص قضاوت در خصوص درستی یا نادرستی احادیث یک راوی بوده است.

در سرتاسر کتاب نجاشی به روشنی، سنجش محتوایی نسبت به روایات یک راوی مشاهده می‌شود. محمد بن سنان^۳ و حسین بن یزید نوفلی^۴ از این دست راویانند. نجاشی حتی نسبت به دو نفر از مشایخ خود، یعنی ابوعلی بن همام و ابوغالب زراری با همین معیار به قضاوت می‌نشیند و آن‌ها را دورا نسبت به روایت کردن روایات جعفر بن محمد بن مالک فزاری مورد انتقاد قرار می‌دهد.^۵

۱. همان، ص ۴۸۸، ش ۹۲۸.

۲. همان، ص ۴۸۷، ش ۹۲۴.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۴۰۶، ش ۶۲۰.

۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۸، ش ۷۷.

۵. همان، ص ۱۲۲، ش ۳۱۳.

با این وجود دانشیان متقدم رجال با همین شاخص، کلینی را موفق‌ترین شخص در میدان عرضه آموزه‌های دینی راه‌یافته و برگرفته شده از احادیث می‌دانند، و او را قهرمان این عرصه معرفی می‌کنند. آنچه که نجاشی را وا می‌دارد تا درباره کلینی به «أوثق الناس فی الحدیث و أثبتهم» تعبیر کند باورهای کلامی حدیثی و نگره‌های دین‌شناسی کلینی است که در کتاب کافی رخ نموده است. بغداد که در عدم تساهل در آن روزگاران شهره و مهم‌ترین حوزه فرهنگی شیعه است، موطن اصلی تدریس و انتشار کتاب کافی است. کلینی دست‌کم دو سال پیش از وفات، همه نگاه‌ها را در بغداد تجدید کرده است،^۱ که افرادی هم‌چون ابن قولویه این کتاب را از کلینی دریافت کرده‌اند. شیخ مفید نیز نزد ابن قولویه این کتاب را تحمل کرده است.^۲ سیدمرتضی در مسیر انتقال کتاب‌های معدودی قرار گرفته که یکی از آن‌ها کتاب کافی است.^۳

بغدادیان با شاخصه‌های عقل‌گرایی و بنیان‌های کلامی خود که حساسیت بسیار بالایی در پذیرش یک کتاب حدیثی دارند، کلینی را موفق‌ترین چهره حدیثی می‌دانند و خود عهده‌دار انتقال این کتاب و انتشار آن به نسل‌های پسین شده‌اند. نکته قابل بیان آنکه به جز کلینی برای چهار نفر تعبیر «أوثق الناس» به کار رفته است؛ جعفر بن عبدالله راس مذری،^۴ علی بن اسباط،^۵ محمد بن مسلم^۶ و محمد بن ابی عمیر.^۷ اما در

۱. «و أخبرنا به أيضاً أحمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر عن أحمد بن أبي رافع و أبي الحسين عبد الكريم بن عبد الله بن نصر البزاز بتيس و بغداد عن أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني جميع مصنفاته و أحاديثه سماعاً و إجازة ببغداد بباب الكوفة بدرج السلسلة سنة سبع و عشرين و ثلاثمائة.» (طوسی، تهذیب الأحكام، مشیخه، صص ۲۸-۲۹)
۲. طوسی، الفهرست، ص ۳۹۴، ش ۶۰۳.
۳. همان، ص ۳۹۵، ش ۶۰۳.
۴. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۲۰، ش ۳۰۶.
۵. همان، ص ۲۵۳، ش ۶۶۳.
۶. همان، ص ۳۲۴، ش ۸۸۲.

۷. طوسی، الفهرست، ص ۴۰۵، ش ۱۸. ابن ابی عمیر یکی از سنجه‌های درست سنجی اعتقادات شیعه است؛ به عنوان نمونه: «حدثني أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن مثنى الحناط عن أبي بصير قال: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ قُلْتُ لَهُمَا أَنْتُمَا وَرَثَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَرَسُولُ اللَّهِ وَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ عَلِمَ كُلُّمَا عَلِمُوا فَقَالَ لِي نَعَمْ فَقُلْتُ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَيَّ أَنْ تُخَيَّرُوا الْمَوْتَى وَ تُبْرَأُوا الْأَكْمَةَ وَ الْأَبْرَصَ فَقَالَ لِي نَعَمْ بِإِذْنِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ اذْنُ مَنِّي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَيَّ عَيْنِي وَ وَجْهِي وَ أَبْصَرْتُ الشَّمْسَ وَ السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ الْبَيْتُوتَ وَ كُلَّ شَيْءٍ فِي الدَّارِ قَالَ أَ تَحِبُّ أَنْ تَكُونَ هَكَذَا وَ لَكَ مَا لِلنَّاسِ وَ عَلَيْكَ مَا عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَوْ تَعُودَ كَمَا

این میان به جز کلینی تنها برای جعفر بن عبدالله تعبیری مشابه به کار رفته است: «کان وجهاً فی أصحابنا و فقیهاً و أوثق الناس فی حدیثه».

۷. مفهوم شناسی واژگان و عبارات‌های توصیفی به کار رفته در مورد راویان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی حدیث‌پژوهان، وجود راویان ضعیف و پرکاری است که در سرتاسر کتاب کافی به چشم می‌خورند. وجود راویان ضعیف در کتاب کافی به هیچ وجه قابل انکار نیست؛ اما باید توجه داشت که تلقی صحیح از مفهوم واژه «ضعیف» چیست؟ و دامنه تخریبی آن تا چه حد است؟ نجاشی و شیخ طوسی، از وجود راویان ضعیف در کافی بی اطلاع نبودند، با این وجود هر دو از کتاب کافی تجلیل می‌کنند؛ چه اینکه تلقی قدما از مفهوم ضعیف، یک تلقی سلبی صددرصدی نیست؛ یعنی به طور کلی روایات یک راوی ضعیف را از اعتبار ساقط نمی‌کردند.

پیشینیان به هیچ عنوان این تلقی که امروزه از ضعیف و یا حتی وثاقت مطرح است را باور نداشتند. صاحب منتقی الجمال به گاه تبیین مفهوم اصطلاح «حدیث صحیح» می‌نویسد: «فإن القدماء لاعلم لهم بهذا الاصطلاح لاستغنائهم عنه لكثرة القرائن الدالة على صدق الخبر وإن كان في طريقة ضعف»^۱ در این عبارت تصریح شده که قدما به جهت قرائن فراوان به هیچ روی نیازی به اصطلاحی چون صحیح و دیگر اصطلاحات بیانگر حدیث معتبر نداشتند. در نگاه حدیث‌پژوهان کهن، قرینه‌های فراوان به روایت‌های راویان ضعیف اعتبار می‌بخشیده است. در نگاه رجالیان پیشین شیعه برآیند عملی مفهوم ضعیف یعنی برخورداری از روایات منفرد غیرقابل پذیرش^۲ و این نقطه جدایی مفهوم وثاقت و مفهوم ضعیف است؛^۱ ضعیف یک

حال پژوهش‌ها

پیش‌فرض‌های تحلیل توصیفات رجال: مطالعه موردی اعتبار کافی

کُنْتُ وَ لَكَ الْجَنَّةُ خَالِصاً قُلْتُ أَعُوذُ كَمَا كُنْتُ قَالَ فَمَسَحَ عَلَيَّ عَيْنِي فَعُدْتُ كَمَا كُنْتُ قَالَ عَلَيَّ فَحَدَّثْتُ بِهِ ابْنَ أَبِي عُمَيْرٍ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ.» (صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۶۹).

۱. عاملی، منتقی الجمال، ج ۱ ص ۱۴.

۲. به عنوان نمونه: نجاشی، رجال النجاشی، ص ۱۸۳، ش ۴۸۲ «کان غالباً کذاباً. و كذلك ابنة محمد لا يعمل بما انفردا به من الرواية.»؛ طوسی، الفهرست، ص ۳۰۳، ش ۴۶۲، یادکرد عبدالله بن یحیی «ضعیف لایعمل علی ماینفرد به.»؛ برای مصادیق بیشتر ن.ک: حسینی شیرازی، اعتبارسنجی احادیث شیعه، صص ۳۷۹-۳۹۴. البته گاهی اوقات تصریح می‌شود که راوی ضعیف متروک الحدیث است؛ مثل جعفر بن محمد بن مالک فزاری که ابن‌غضائری در مورد وی می‌نویسد: «کذاب متروک الحدیث جملة و في مذهبه ارتفاع و يروي عن الضعفاء و المجاهيل و كل عيوب الضعفاء مجتمعة فيه.» (ابن‌غضائری، الرجال، ص ۴۸)؛ ولی تعداد این موارد بسیار اندک است.

راوی به معنای کنار گذاشتن همه روایات وی نیست؛ بلکه به معنای عدم پذیرش روایات منفرد آن راوی است. شیخ طوسی در عده به همین نکته اشاره کرده و روایات راوی ضعیف را در صورتی که قرینه‌ای بر باورپذیر بودن آن وجود داشته باشد مورد پذیرش می‌داند.^۲ همه این موارد نسبت به روایات راه یافته به کتاب خود راوی ضعیف است و به اصطلاح، راوی در به دست دادن آموزه مورد نظر، نقش استقلالی دارد. اما نسبت به روایاتی که راوی ضعیف، تنها در طریق آن قرار دارد و به اصطلاح، نقش طریقی دارد، ضعف راوی خللی ایجاد نمی‌کند.^۳ بنابر این می‌توان گفت وجود راویان ضعیف در کتاب کافی از آن جهت در داوری دانشیان رجال تأثیر منفی نگذاشته است که قرینه بر صحت این روایات در نزد آنان وجود داشته است. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به مفهوم‌شناسی درست واژگان توصیفی، وجود راویان ضعیف هیچ خللی به کتاب کافی وارد نمی‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

توجه به شاخص‌های هفتگانه پیش‌گفته (نزدیکی یا دوری زمان نگارش کتاب به معصوم،

۱. شیخ طوسی در بحثی روایت محمدبن‌سنان را منفرد معرفی می‌کند، و چون محمدبن‌سنان ضعیف است روایت وی را به تنهایی حجت نمی‌داند و می‌نویسد: «أنه لم يروه غير محمدبن‌سنان... و محمدبن‌سنان مطعون علیه ضعیف جداً و ما يستبد بروایته و لا یشکره فیه غیره لا یعمل علیه.» (طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷ ص ۳۶۱) نجاشی مشابه همین تعبیر را برای محمدبن‌سنان به کار می‌برد: «و هو رجل ضعیف جداً لا یعول علیه و لا یلتفت الی ما تفرده به.» (نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۲۸، ش ۸۸۸) نیز در جایی دیگر در مورد عماربن‌موسی سابطی می‌نویسد: «قد ضعفه جماعة من أهل النقل و ذکرُوا أن ما ینفرد بنقله لا یعمل به.» (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۰۱) و درباره علی‌بن‌حدید می‌آورد: «و أما خبر زارة فالطریق الیه - علی‌بن‌حدید و هو مضعف جداً لا یعول علی ما ینفرد بنقله.» (همان) در همه این عبارات به این حقیقت اشاره می‌شود که اگر یک راوی ضعیف خوانده شود کارکرد آن خروج روایات منفرد وی از دایره حجیت و اعتماد است.

۲. طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۵۱: «و كذلك القول فیما ترویه المتهمون و المضعفون و إن كان هناك ما یعضد روایتهم و یدل علی صحتها و جب العمل به و إن لم یکن هناك ما یشهد لروایتهم بالصحة و جب التوقف فی أخبارهم، و لأجل ذلك توقف المشایخ عن أخبار كثيرة هذه صورتها و لم یرووها و استثنوها فی فهارسهم من جملة ما یروونه من التصنیفات.»

۳. محمدتقی مجلسی در موارد فراوانی تصریح دارد که مجهول بودن و یا ضعیف بودن برخی واسطه‌ها مشکلی در عمل به روایت ایجاد نخواهد کرد؛ چون این واسطه‌ها صرفاً نقش طریقی در انتقال روایت دارند؛ به عنوان نمونه: در مورد روایات کتاب معاویه‌بن‌عمار (مجلسی، روضة المتقین، ج ۴، ص ۳۱۴)، ابن‌ابی‌عمیر (همان)، عبدالله‌بن‌علی حلبی (همان، ج ۴، ص ۳۴۷) ابوبصیر (همان، ج ۴، ص ۵۱)، محمدبن‌مسلم (ج ۴، ص ۲۰۲)، بزظی (همان، ج ۳، ص ۴۹۸) و دیگران به این نکته اشاره می‌کند.

حجم آموزه‌های راه یافته به کتاب، تک یا چند بعدی بودن کتاب، خاستگاه علمی داوران کتاب، بازه زمانی فعالیت فرهنگی نگارنده، معیار داوری و مفهوم‌شناسی واژگان راه یافته و عبارت‌های توصیفی به کار رفته در مورد راویان) و تأثیرگذار در مفهوم‌گیری از واژه‌های توصیفی راه یافته به یادکرد راویان بیانگر این حقیقت است که کتاب کافی از نگاه نجاشی و دانشیان رجال در بالاترین سطح از استواری و استحکام قرار داشته و نقطه گویا و روشنی که به انحراف در آموزه‌های اعتقادی بیانجامد از نگاه نجاشی در این کتاب وجود نداشته است. وجود راویان ضعیف در این کتاب به استواری و پیراستگی آموزه‌های آن ضرر نمی‌رساند.

منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، إعتقادات الإمامية، قم: کنگره شیخ مفید، چ ۲، ۱۴۱۴ق.
۲. _____، کتاب من لایحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، قم: موسسه النشر الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم: موسسه اسماعیلیان، چ ۱، ۱۳۶۴ق.
۴. اقوام کرباسی، اکبر، «مدرسه کلامی کوفه»، نقد و نظر، شماره ۶۵، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بهار ۱۳۹۱ش.
۵. جمعی از مؤلفان، أصول الستة عشر، قم: دارالحدیث، چ ۱، ۱۳۸۱ش.
۶. حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، اعتبارسنجی احادیث شیعه، تهران: سمت، چ ۱، ۱۳۹۷ش.
۷. حسینی شیرازی، سیدعلیرضا و وکیلی، عزیز، «بازخوانی گزارش دس و تحریف غالبان در پرتو کارکرد فرهنگی نهاد امامت»، امامت پژوهی، شماره ۱۵، قم: بنیاد امامت قم، پاییز ۱۳۹۳ش.
۸. حسینی شیرازی، سیدعلیرضا و حمادی، عبدالرضا، «جایگاه نقد محتوایی در اعتبارسنجی احادیث شیعه»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۱، تهران: دانشگاه تهران، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.
۹. حسینی شیرازی، سیدعلیرضا و شاکر، محمدتقی، «واکاوی مهم‌ترین معیار داوری رجالی در پرتو نگرش کلامی»، امامت پژوهی، شماره ۱۷، قم: بنیاد امامت قم، بهار ۱۳۹۴ش.
۱۰. رضایی، محمدجعفر و صفری فروشانی، نعمت الله، «تبیین معنای اصطلاح علمای ابرار با تاکید بر جریانات فکری اصحاب ائمه»، اندیشه نوین دینی، شماره ۳۱، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، زمستان ۱۳۹۱ش.
۱۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تحقیق محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، العدة فی أصول الفقه، قم: محمدتقی علاقبندیان، چ ۲، ۱۴۱۷ق.
۱۳. _____، رجال الطوسی، نجف: حیدریه، ۱۳۸۱ق.

۱۴. _____، تهذيب الأحكام، حسن موسوی خراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۵. _____، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول، تحقيق عبدالعزیز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائی، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۱۶. عاملی، حسن بن زین الدین، منتقى الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان، تحقيق على اكبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چ ۱، ۱۳۶۲ش.
۱۷. فراهیدی، خليل بن احمد، العين، قم: نشر هجرت، چ ۲، ۱۴۰۹ق.
۱۸. كلینی، محمد بن یعقوب، الكافي، تحقيق على اكبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالكتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۹. كشی، محمد بن عمر، رجال الكشي، حسن مصطفوی، مشهد: نشر دانشگاه مشهد، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۲۰. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقيه، تحقيق حسين موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسة فرهنگي اسلامی کوشانپور، چ ۲، ۱۴۰۶ق.
۲۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، تصحيح إعتقادات الإمامية، تحقيق حسين درگاهی، قم: كنگره شیخ مفید، چ ۲، ۱۴۱۳ق.
۲۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، سید موسی شیرازی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چ ۶، ۱۳۶۵ق.